

واکاوی مناسبات سیاسی صارم‌بیگ موکری با شاه اسماعیل اول صفوی

سیامند خلیلی*، عثمان یوسفی

کارشناس ارشد تاریخ؛ استادیار گروه تاریخ، دانشگاه مذاهب اسلامی

تاریخ دریافت: (۱۳۹۶/۰۶/۱۳) تاریخ پذیرش: (۱۳۹۷/۰۳/۰۲)

Investigation of Political Relations of Sarem Beg Mokri with the Shah Ismail I Safavi

Siamand Khalili, Osman Yousefi

Master of Science in History; Assistant Professor of History, Mazaheb-e Islamy University

Received: (2017. 09. 04)

Accepted: (2018. 05. 23)

Abstract

Mokrian area has played an important role in the history of the West of Iran, with its ancient and historic works, from prehistoric times. Mokri Emirate was established in the Aq Qoyunlu period by Saifuddin Mokri in the northwest of Iran. With the advent of the Safavid government, the policy of divergence of the Emirate Mokri in its interaction with that state began from the time of Sarem Big as the second ruler of this emirate, which was the contemporary of Shah Isma'il I Safavi. This article seeks to investigate the reasons and political relationships between the Emirate Mokri and the Safavid government during the time of Shah Isma'il I, which has so far not done an independent study on the character of Sarem Beg Mokri and his relations with the Safavid regime. The findings of the research show that during the attacks of Shah Isma'il I, Mokrian was primarily due to the development of the political realm of Shah Isma'il in the Azerbaijani region and, secondly, to the effect of his religious policy, which also somehow justifies the same policy integrating and eliminating local governments in Iran, the political relations of Emirate Mokri with the Safavid government were formed. Sarem Beg, to protect his political and governing realms, grew up against the Safavid Shah, and ultimately turned towards the Ottoman state.

Keywords: Sarem Beg, Shah Ismail, religion, Mokrian, war.

چکیده

منطقه موکریان با داشتن آثار باستانی و تاریخی، از دوران پیش از تاریخ، در بستر حوادث تاریخی غرب ایران، نقشی اثرگذار ایفا کرده است. امارت موکری، در دوره آق‌قویونلوها، توسط سیف‌الدین نامی، در شمال غرب ایران پی‌ریزی شد. با ظهور دولت صفوی، سیاست واگرایی امارت موکری، در تعامل با آن دولت، از زمان صارم‌بیگ به عنوان دومین حاکم این امارت، آغاز گردید که معاصر شاه اسماعیل اول صفوی بود. این مقاله، درصدد بررسی چرایی و چگونگی مناسبات سیاسی امارت موکری و دولت صفوی، در دوران شاه اسماعیل اول است که تا کنون در مورد شخصیت صارم‌بیگ موکری و مناسباتش با حکومت صفوی، پژوهش مستقلی صورت نگرفته است. پژوهش حاضر در چهارچوب یک پژوهش توصیفی - تحلیلی و بر اساس منابع کتابخانه‌ای بررسی می‌گردد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در جریان حملات شاه اسماعیل اول به موکریان، که در درجه اول، ناشی از توسعه قلمرو سیاسی شاه اسماعیل در منطقه آذربایجان و در درجه دوم، معلول سیاست مذهبی وی بود که این موضوع نیز به نوعی توجیه کننده همان سیاست یکپارچه کردن و از بین بردن حکومت‌های محلی در ایران بود، مناسبات سیاسی امارت موکری با دولت صفوی شکل گرفت. صارم‌بیگ برای حفاظت و صیانت از قلمرو سیاسی و حکومتی خویش، در مقابل شاه صفوی قد علم و در نهایت، به سوی دولت عثمانی گرایش پیدا کرد.

کلیدواژه‌ها: صارم‌بیگ، شاه اسماعیل، مذهب، موکریان، سیاست.

۱. مقدمه

ولایت موکری (موکریان)، از جمله ولایت‌های کردنشین ایران محسوب می‌گردد که نام آن به صورت رسمی از دوران ترکمانان، در منابع تاریخی ذکر می‌شود.

موکریان با پیشینه تاریخی که حکایت از فراز و فرود رویدادها و حوادثی دارد که از دوران پیش از تاریخ تا کنون این منطقه با آن روبه‌رو بوده، نقش کلیدی در سیر تحولات غرب ایران و به‌ویژه مناطق کردنشین ایفا نموده است. این امر به نوبه خود، تحت تأثیر شرایط جغرافیایی، اقلیمی و ژئوپلیتیکی این منطقه بوده که از دوران قبل از ظهور مانناها تا عصر حاضر، همچنان اهمیت خود را حفظ نموده است.

ورود اقوام ترک پس از سلاجقه به این خطه، ساختار قومی و نژادی این منطقه را دگرگون نمود. با حملات مغولان، دوباره این منطقه تحت تأثیر فرهنگ و ساختار قبیله‌ای اقوام مغول و تاتار قرار گرفت و بیشتر اسامی این منطقه شکل مغولی و ترکی یافتند. علت این امر آن بود که نه تنها مغولان، بلکه ترک‌ها نیز برای ایجاد حکومت خویش، نام‌های موجود در منطقه (اعم از روستا، کوه، رودخانه و...) را تغییر دادند و یا به زبان خودشان ترجمه کردند.

در جریان ورود و حملات اقوام ترک و مغول به این منطقه، مردم ساکن در این نواحی و به ویژه ایل موکری که به صورت اتحادیه‌های قبیله‌ای زندگی می‌کردند و ساختار ایلی داشتند، توان مقابله با قدرت این اقوام را نداشته و در نتیجه مجبور به ترک وطن شدند.

در دوره حکومت ترکمانان آق‌قویونلوها است که منطقه موکریان دوباره اهمیت می‌یابد، به‌طوری‌که سیف‌الدین موکری، همراه با مردمی که در جریان

حملات اقوام ترک و مغول مجبور به ترک دیار شده بودند و با کمک عناصر بومی که در منطقه حضور داشتند، توانستند نواحی جنوبی دریاچه ارومیه را تحت سیطره خویش درآورده و به‌رغم اسکان در این منطقه، امارت موکری را با مرکزیت مهاباد فعلی، پی‌ریزی کنند.

یکی از نکات برجسته در تاریخ کردستان، هم‌زمان با شکل‌گیری امارت موکری، تقسیم‌بندی جدیدی است که در ایالت کردستان شکل گرفت و بر این اساس، کردستان به سه ولایت یا حاکم‌نشین تقسیم شد: ۱. ولایت اردلان با مرکزیت سنندج، ۲. ولایت بابان با مرکزیت سلیمانیه، ۳. ولایت موکری با مرکزیت مهاباد فعلی.

این مقاله درصدد بررسی و تحلیل روابط سیاسی سومین ولایت‌نشین کردستان (امارت موکری)، با دولت صفوی در زمان شاه اسماعیل اول است و اینکه چه تحولاتی قبل و بعد از ایجاد حکومت صفوی، در منطقه موکریان شکل گرفت؟ در این راستا به پرسش‌های چرایی و چگونگی مناسبات سیاسی امارت موکری با دولت صفوی، در دوران شاه اسماعیل، پاسخ داده خواهد شد. فرضیه پژوهش، بیان‌گر تأثیر عوامل سیاسی و مذهبی به عنوان مکمل یکدیگر در جهت چرایی آن و جنگ و درگیری بین طرفین، ناظر بر چگونگی آن بوده است.

این پژوهش با رویکردی توصیفی - تحلیلی سامان یافته و برای دستیابی به اطلاعات و داده‌های تاریخی آن، از منابع دست اول و دست دوم عصر صفوی و منابع گردی استفاده شده است. متأسفانه در باب تاریخ امارت موکری، قبل از تشکیل دولت صفوی، منابع تاریخی چشمگیری وجود ندارد و این امر یکی از مشکلات پژوهش حاضر به شمار می‌رود.

(روژبیانی، ۱۹۹۲: ۱۰).

عبدالقادر بابانی در مورد محدوده امارت موکری می‌نویسد: «زمین مکرری طولاً و عرضاً ده فرسنگ در هشت فرسنگ است و در این محروسه تقریباً ششصد دهکده و یک قصبه است» (بابانی، ۱۳۷۷: ۱۷۲). از لحاظ جغرافیایی، ولایت موکری از طرف شمال به دریاچه ارومیه و جلگه سلدوز، از سمت شرق به جلگه‌های میاندوآب و تکاب، از طرف جنوب به سرحد عراق و ناحیه پشدر و از سمت مغرب به مرز ایران و عراق منتهی می‌گردد (بابا مردوخ روحانی، ۱۳۸۲: ۳/۳۶۳).

در منابع اشارات گوناگونی به نام شهرهایی شده که در محدوده جغرافیایی موکریان واقع شده‌اند. روژبیانی، شهرهایی را که در منطقه موکریان قرار دارند، به شرح زیر بیان می‌دارد: مراغه، سلماس، اشنویه، لاهیجان (لاجان)، نقده، ارومیه، شاهیندر، مهاباد، بوکان، میاندوآب، پیرانشهر، سردشت، سقز و بانه (روژبیانی، ۱۹۹۲: ۱۰). در مقابل، حسین حوزنی معتقد است که ولایت موکری شامل هشت شهر است: مهاباد، سردشت، بانه، بوکان، شاهین‌دژ، میاندوآب، نقده، اشنویه (حوزنی موکریانی، ۱۹۳۸: ۴۹).

در واقع، موکریان (ولایت موکری)، یکی از ولایت‌هایی است که در شمال غرب ایران و در محدوده استان آذربایجان غربی و مناطقی از استان کردستان امروزی شکل گرفت و حتی قسمت‌هایی از استان آذربایجان شرقی مانند گرمورد (در جنوب سراب فعلی) و گاورد (یا گاودول) در مراغه نیز در برخی مقاطع، تحت سیطره حاکمان امارت موکری قرار داشته‌اند (اسکندربیک منشی ترکمان، ۱۳۹۰: ۲/۱۰۰۲؛ منجم یزدی، ۱۳۶۶: ۳۸۹؛ مستوفی بافقی، ۱۳۹۰: ۱۵۷؛ حسینی فسائی، ۱۳۶۷: ۱/۴۵۶).

براساس مستندات تاریخی و نقشه‌های جغرافیایی

از لحاظ پیشینه پژوهش، کتاب‌های عالم آرای صفوی، عالم آرای شاه اسماعیل و جهانگشای خاقان که نویسندگان آنها نامعلوم است، به روابط سیاسی شاه اسماعیل اول و صارم‌بیگ موکری اشاره کرده و تفاوت زیادی در روایت وقایع تاریخی آنها مشاهده می‌شود.

کتاب شرف‌نامه، قدیمی‌ترین و مهم‌ترین منبع تاریخ‌نگاری محلی کردستان و امارت موکری محسوب می‌شود.

سفرنامه علی‌اکبر خطائی (معاصر شاه اسماعیل اول)، در باب سرنوشت بابا عمر (برادر صارم‌بیگ) و چگونگی کشته شدن اسیران امارت موکری، حائز اهمیت است.

مقاله «بازشناسی جایگاه مذهب در روابط اهل سنت کردستان و حکومت صفوی» نوشته مجتبی سلطانی احمدی، به‌رغم آنکه جایگاه مذهب تسنن را در دوران صفوی بررسی می‌کند، معتقد است که در روابط صارم‌بیگ با شاه اسماعیل، عامل سیاسی بیشترین تأثیر را داشته است، نه عامل مذهبی. البته با بررسی‌های انجام شده، می‌توان گفت که هر دو بعد سیاسی و مذهبی، به عنوان مکمل یکدیگر در هجوم شاه اسماعیل اول به موکریان دخیل بوده‌اند.

اهمیت پژوهش حاضر از آنجاست که برای نخستین بار در صدد است تا مناسبات سیاسی امارت موکری با دولت صفوی، در دوران شاه اسماعیل اول را بررسی کند.

۲. موقعیت جغرافیایی امارت موکری

نام ولایت موکری در سده هشتم هجری، تا حدودی در منابع تاریخی جای خود را باز می‌کند. به‌طوری‌که روژبیانی می‌نویسد: نام موکریان از آغاز سده ۸ ق/۱۴م در منابع تاریخی و جغرافیایی ذکر می‌گردد

برخی از مناطق اداری، با وجود تعداد ملازمان کمتر، نسبت به امارت موکری، از میزان مداخل بیشتر بر حسب تومان یا دینار برخوردار بوده‌اند. امارت موکری، در بین مناطق اداری آذربایجان که میزان مداخل‌شان بر حسب تومان و دینار بیشتر است، مقام نهم را در بین بیست و هفت منطقه اداری آذربایجان، در اختیار داشته است. امارت موکری با قرار گرفتن در جغرافیای اداری بین والی‌نشین اردلان و بیگلربیگی تبریز، از نظام اداری هر دوی آنها تأثیر پذیرفته است که این موضوع از نکات برجسته این امارت محسوب می‌شود.

۳. چگونگی شکل‌گیری امارت موکری

در منابع تاریخ ایران، به غیر از شرف‌نامه، هیچ اشاره‌ای به اصل و نسب موکری‌ها نشده است. در مورد اصل و منشأ واژه موکری، براساس منابع محلی، چهار دیدگاه مطرح است:

۱. بدلیسی، موکری‌ها را با یکی از خاندان‌ها و امارت‌های کردستان، به نام بابان، از یک ریشه معرفی کرده و نسب حکام موکری را به قبیله مکریه که در شهرزور ساکن بوده‌اند، می‌رساند. وی معتقد است که سیف‌الدین موکری (بنیان‌گذار امارت موکری)، شخصی مکار و حیله‌گر بوده، به همین جهت به وی لقب موکری داده‌اند (بدلیسی، ۱۳۴۳: ۳۷۳).

۲. محمد جمیل روزیبانی معتقد است: اگرچه اظهار نظرهایی در مورد واژه موکری شده، مانند: مکار و حیله‌گر (طبق نظر بدلیسی)، در اصل، موکری، مغری (مغراه) و موکریان نیز موغریان (راه مغها) بوده است؛ به طوری که شاهان ساسانی وقتی به تاج و تخت می‌رسیدند، می‌بایست با پای پیاده از تیسفون به تخت سلیمان بروند تا در برابر آتش مقدس (آتشدکه)

موکریان، شهرهایی که در این حوزه واقع شده‌اند، عبارتند از: قسمت‌هایی از شهرهای بانه و سقر، در استان کردستان فعلی و قسمت‌های جنوبی استان آذربایجان غربی امروزی یعنی شهرهای مهاباد، سردشت، پیرانشهر، نقده، میاندوآب، بوکان، اشنویه، تکاب و شاهین‌دژ.

از لحاظ جغرافیای اداری، امارت موکری با توجه به نقشه‌های اواخر دوره صفویه، جزو والی‌نشین کردستان محسوب می‌شد (رهبرن، ۱۳۴۹: صفحه آخر؛ بابایی، ۱۳۹۰: وسط کتاب، فاقد صفحه). (شکل شماره ۱)

مینورسکی به نام این ولایت، به صورت (mdk) «مدک» اشاره نموده و چون این واژه بعد از لاهیجان آمده و محل استقرار افراد نظامی بوده، وی تشخیص داده که این لغت شاید موکری باشد (سمیعا، ۱۳۷۸: ۱۸۹). سمیعا معتقد است که ولایت موکری از لحاظ نظام اداری، در حیطه بیگلربیگی تبریز قرار داشته و مواجب، تیول و تعداد ملازمان آن، در دوره صفویه به شرح زیر بوده که نام موکری به اشتباه «مدک» ذکر شده است:

ایالت	تومان	دینار	ملازمان
مدک	۷۲۹	۳۷۰۹	۱۱۷۹

(همان: ۷۴؛ نویدی، ۱۳۸۶: ۱۳۷)

در مقابل، کتاب القاب و مواجب دوره سلاطین صفویه، مواجب، تیول و تعداد ملازمان آن را به صورت زیر ذکر می‌کند: مداخل: هفتصد و بیست و نه تومان و سه‌هزار [دینار] و کسری، ملازمان: یک‌هزار و یک‌صد و سی و هشت نفر (نصیری اردوبادی، ۱۳۷۱: ۱۱۰).

در مجموع بیست و هفت منطقه اداری بیگلربیگی تبریز، امارت موکری، بعد از ایل‌های مقدم و افشار، از نظر تعداد ملازمان، رتبه سوم را دارا بوده است. حتی

راهی دیار غربت گردند. با توجه به شرایط پیش آمده، تعداد کمی از مردم این منطقه، اطاعت مغولان را پذیرفتند و تعداد زیادی از آنها به طرف شرق، یعنی عثمانی آن دوره، مهاجرت نمودند (ولفگه‌نگ، ۱۹۷۷م: ۸۰).

وجود آشفتگی و بی‌ثباتی سیاسی در ایران ماقبل صفوی، زمینه مساعدی را برای سران و قبایل کرد فراهم آورد تا بتوانند در مناطق و قلمروهای تحت سیطره خویش داعیه استقلال داشته باشند؛ به طوری که در دوره ترکمانان آق‌قویونلو، مهاجران ولایت موکری، دوباره به موطن اصلی خود بازگشتند و با دیگر ساکنان باقیمانده در منطقه، زمینه‌ساز تشکیل یکی از مهم‌ترین امارت‌های کردنشین غرب ایران شدند و به اذعان منابع، نواحی جنوبی دریاچه ارومیه را تسخیر کردند (زه‌کی، ۱۹۳۱م: ۱/ ۱۵۵؛ کرد در دایرةالمعارف اسلام، ۱۳۶۷: ۷۳؛ رشید یاسمی، ۱۳۶۹: ۲۰۲؛ محسنی، ۱۳۲۷: ۱/ ۲۱-۲۲) و در طول مرزهای ایران و عثمانی، فرمانروایی نیمه‌مستقل کردهای موکری در ساوجبلاغ شکل گرفت که به صورت ظاهری تحت سیطره حکومت ایران بود (خه‌لفین، ۱۹۷۱م: ۱۷).

در واقع، آغاز فرمانروایی موکری‌ها به دوره آق‌قویونلوها^۲ باز می‌گردد که در رأس آنها شخصی به نام سیف‌الدین، به عنوان پرچم‌دار امارت موکری، زمام حکومت منطقه موکریان را در دست گرفت.

شرف‌نامه به عنوان یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین منابع تاریخ‌نگاری محلی کردستان، در باب امارت موکری در دوران سیف‌الدین می‌نویسد: سیف‌الدین با سیاستی که داشت در دوران حکومت ترکمانان،

۲. در منابع تاریخی هیچ اشاره‌ای به این موضوع نشده که امارت موکری، در زمان کدام پادشاه آق‌قویونلو شکل گرفت.

آذرگشنسب) ادای احترام نمایند، از این رو چون دشت موکریان بر سر راه مغان، واقع شده بود نام موغریان بر آن نهاده و به مرور زمان به موکریان و موکریان تبدیل شد (روژبیانی، ۱۹۹۲م: ۸-۹).

۳. زنده‌یاد عبدالله احمدیان بر این باور است: سیف‌الدین موکری پس از یورش بردن بر ترکان چابقلو و در اختیار گرفتن منطقه دریاس و افزودن مناطق دیگری بر آن، قدرت زیادی به دست آورد و ترک‌هایی که تحت حکومت وی قرار داشتند، به موکری معروف و منطقه تحت حکومتش، موکریان نامیده شد (احمدیان، ۱۳۸۲: پاورقی).

۴. سعید خضری، به نقل از مترجم کتاب کردستان موکریان (آتروپاتین)، می‌نویسد که واژه موکریان از مهاکریان گرفته شده که احتمالاً یکی از قبایل ماد بوده است^۱ (خضری، ۱۳۸۸: ۱۳۳).

در بین اظهارات فوق، نوشته‌های بدلیسی و روژبیانی (گزینه‌های اول و دوم) به واقعیت نزدیک‌ترند.

در باب اطلاعات تاریخی منطقه موکریان، قبل از شکل‌گیری امارت موکری، باید گفت با نفوذ مغولان در این منطقه، آنها همواره سعی در تغییر ساختارهای مختلف فرهنگی، اجتماعی، زبانی، دینی و حتی قومی داشته‌اند. کردهایی که در این منطقه ساکن بودند، برای نجات جان خود ناچار می‌بایست یا حاکمیت اقوامی که بر این منطقه تسلط یافته بودند را پذیرا شوند و یا

۱. حسن داوودی، مترجم کتاب کردستان موکریان (آتروپاتین) از زبان گردی به فارسی، اشاره به این موضوع نموده که نویسنده کتاب، واژه مهاکریان را ذکر کرده که گویا یکی از قبایل ماد بوده است (حزنی، ۱۳۸۲: ۲۰)؛ در حالی که در متن کتاب گردی، اصلاً چنین موضوعی وجود ندارد.

توانست با همکاری عشیرت بابان و دیگر عشیرت‌های کردستان، منطقه دریا س را از زیر سیطره طایفه چابقلو خارج کرده و به تدریج بسیاری از نواحی دیگر را تحت فرمان خود درآورد (بدلیسی، ۱۳۴۳: ۳۷۲).

به غیر از بدلیسی، دیشنه‌ر تنها نویسنده‌ای است که اشاره به امارت موکری، در دوران آق‌قویونلوها کرده و می‌نویسد: آق‌قویونلوها، نه تنها به امارت موکری، بلکه به امارت‌های دیگر مناطق کردنشین نیز با بدبینی نگاه می‌کردند و اقدام به آزار و اذیت طوایف و عشایری از کردها می‌نمودند که با قراقویونلوها ارتباط داشتند (دیشنه‌ر، ۱۹۹۹م: ۶۵).

طبق روایت کتاب *شرف‌نامه* از شخص سیف‌الدین موکری، می‌توان گفت احتمالاً وی در بین سال‌های ۸۵۰ تا ۹۰۰ ق (۱۴۴۶-۱۴۹۴م) امارت موکری را در اختیار داشته است (خلیلی، ۱۳۹۳: ۵۷) و آنچه که در زمان سیف‌الدین حائز اهمیت بود، این است که وی، حاکمی مستقل بود و تا زمانی که زنده بود، تحت سیطره هیچ حکومتی قرار نداشت، نه در داخل ایران و نه در خارج از مرزهای ایران، و همین امر موجب گردید که بتواند از یک سو، به بهترین نحو قلمرو خود را اداره کند و از دیگر سو، زمینه‌های لازم برای توسعه و آبادانی این منطقه را فراهم نماید.

۴. صارم‌بیگ موکری و شروع مناسبات با صفویان

صارم‌بیگ موکری از جمله حکام موکری، هم‌زمان با تأسیس دولت صفویه است که نقش چشمگیری در دفاع از استقلال منطقه تحت سیطره خویش که در آن زمان، تا نزدیکی‌های ارومیه را شامل می‌شد، داشت.

در برخی از منابع دوره صفوی، از صارم‌بیگ با نام والی، حاکم و پادشاه کردستان یاد شده است (*عالم‌آرای صفوی*، ۱۳۵۰: ۱۰۳؛ *جهانگشای خاقان*، ۱۹۶۸م: ۲۴۰؛ *توی*،

۱۳۷۸: ۳۲۶). نویسنده *عالم‌آرای صفوی* صارم‌بیگ را پادشاه کردستان چکاری^۱ ذکر کرده است (*عالم‌آرای صفوی*، ۱۳۵۰: ۱۰۳).

شاه اسماعیل اول در سال ۹۰۷ق / ۱۵۰۱م، که حکومت صفوی را اعلام کرد، فقط تبریز و آذربایجان را در تصرف داشت و این تمرکز حکومت می‌طلبید که به عمر حکومت‌های محلی، ابتدا در آذربایجان و سپس در سایر نواحی ایران، خاتمه داده شود. این امر موجب گردید تا حاکم موکریان (صارم‌بیگ) با یک معادله جدید سیاسی مواجه شود که می‌بایست یا انقیاد خود را نسبت به حکومت صفوی اعلام کند یا برای هر اقدامی از جانب دولت جدید آماده شود.

در روابط سیاسی یک امارت (حکومت محلی) با دولت مرکزی، دو موضوع ۱. میزان قدرت امارت محلی و ۲. نحوه تعامل و ارتباط با دولت مرکزی یا سیاست واگرایی و همگرایی امارت محلی حائز اهمیت است که امارت موکری نیز از این قاعده مستثنی نبود.

نیروی نظامی امارت موکری، در دوره صفویه اهمیت زیادی داشت، چنان‌که تقابل و جنگ صارم‌بیگ موکری با شاه اسماعیل اول صفوی و رشادت‌هایی که نیروهای صارم‌بیگ از خود نشان دادند، دلیلی بر قدرت نیروی نظامی امارت موکری بود (بدلیسی، ۱۳۴۳: ۳۷۴؛ *ناظم بیگ*، ۲۰۰۱م: ۱۸؛ *میتیشافیلی*، ۲۰۰۸م: ۱۱۹؛ *Му с а э л я н*، 2011: 96).

۱. اصل واژه مذکور، موکری است که نشان‌دهنده اصل و نسب، ایل و قبیله‌ای است که صارم‌بیگ از درون آن پرورش یافته بود. رضاقلی‌خان هدایت، به اشتباه، صارم‌بیگ را حاکم گرجستان معرفی کرده است (هدایت، ۱۳۸۰: ۸ / ۶۳۶۰). همچنین برخی از پژوهش‌ها، از صارم‌بیگ با لقب «شیر صارم گرد» نام برده‌اند (قاسمی گنابادی، ۱۳۸۷: ۱۱۲؛ *مجیر شیبانی*، ۱۳۴۶: ۱۰۵؛ *نوذری*، ۱۳۸۰: ۲۸۴).

اسماعیل) و اینکه منطقه آذربایجان در آن دوره به وسیله نیروهای قزلباش تحت سیطره شاه اسماعیل اول اداره می‌گردید، نوعی تقابل سیاسی بین طرفین ایجاد کرد.

در زمان شاه اسماعیل اول، علی سلطان ذوالقدر، گوگچه سلطان قاجار، بوداق سلطان مافی، ولی سلطان مافی و بکربگ مکرری حکومت ارومیه را در اختیار داشتند (نهدیوششوعه‌را، ۲۰۰۸: ۳۳؛ دهقان، ۱۳۴۸: ۳۵۹-۳۵۸). اما، در هیچ‌یک از منابع دوره شاه اسماعیل و حتی صفویه، به نام این اشخاص در جریان تجاوزات صارم‌بیگ موکری به آذربایجان و ارومیه اشاره نشده است؛ تنها در روایت نویسنده عالم‌آرای صفوی، به نام قراگونه سلطان، حاکم و رئیس قبیله اروملو اشاره شده که همراه با ۳۰۰ نفر از اعضای قبیله‌اش به دست نیروهای صارم‌بیگ قتل‌عام شدند (عالم‌آرای صفوی، ۱۳۵۰: ۱۰۳-۱۰۴).

دومین مورد در بعد سیاسی علل هجوم شاه اسماعیل، به قول راجر سیوری، ایجاد آرامش و امنیت در مرزهای ایران و کردستان بود (سیوری، ۱۳۸۰: ۴۸). چون ولایت موکری، در آن دوره مستقل بود، سیوری این موضوع را مطرح نموده است. یکی از مهم‌ترین حوادث سیاسی دوران امارت صارم‌بیگ، نزدیکی قلمرو موکری‌ها و خصوصاً کردستان به دشمن صفوی‌ها یعنی عثمانی‌ها بود. اشتراک مذهبی عاملی بود که زمینه نزدیکی و ارتباط بین طرفین را در آن مقطع فراهم می‌نمود.

شاه اسماعیل اول نه تنها در موکریان، بلکه در تمام کردستان، سیاست‌های سه‌گانه‌ای را در مقابل مردم کرد در پیش گرفت که عبارت بودند از:

۱. تحمیل مذهب شیعه جعفری در مناطق اشغال

موضوع دوم که نقش مهم و اساسی در تحولات داخلی امارت موکری داشت و به نوعی به نحوه نگاه حکومت صفوی نیز مرتبط بود، انتخاب نوع نگرش و گرایش به سوی دولت‌های صفوی و عثمانی بود که در آن برهه زمانی، امارت موکری با آنها ارتباط داشت. صارم‌بیگ به علت جنگ‌هایش با شاه اسماعیل اول، توازن قوا در زمان پدرش را برهم زده و سیاست واگرایی در تعامل با دولت صفوی را در پیش گرفت.

۵. زمینه‌های هجوم شاه اسماعیل اول به امارت موکری

شاه اسماعیل اول با اعلام مذهب تشیع به عنوان مذهب رسمی کشور، از یک طرف، یک نوع تضاد مذهبی در داخل ایران و حتی در خارج از ایران (در بین عثمانی‌ها، ازبکان و ممالیک مصر) ایجاد نمود، و از طرف دیگر، تمرکز و وحدت سیاسی در ایران را شکل داد که در دوران قبل از صفویان چنین امری قابل مشاهده نبود.

بر اساس منابع و واقعیات تاریخی، زمینه‌های هجوم شاه اسماعیل اول به امارت موکری، در دو بعد سیاسی و مذهبی قابل بررسی است:

الف) بعد سیاسی

یکی از علل و زمینه‌های سیاسی هجوم شاه اسماعیل اول به منطقه تحت سیطره صارم‌بیگ موکری، شورش و تجاوزات صارم‌بیگ به مرزهای آذربایجان بود (سرور، ۱۳۷۴: ۶۳؛ قاسمی گنابادی، ۱۳۸۷: ۱۱۲).

قلمرو صارم‌بیگ در زمان شاه اسماعیل تا نزدیکی‌های ارومیه گسترش یافت. همچنین نزدیکی ارومیه به تبریز (پایتخت صفویان در زمان شاه

شده کردستان به جای مذهب تسنن؛

۲. عزل امرا و رؤسای کرد و جایگزین کردن نیروهای قزلباش؛

۳. اعمال خشونت و ایجاد ترس در بین امرا و سران قبایل کرد به منظور جلوگیری از شورش احتمالی آنها (موحه‌مهد ئه‌مین، ۱۹۹۲م: ۲۴).

سومین مورد در بعد سیاسی زمینه‌های هجوم شاه اسماعیل، طبق روایت شرف‌نامه، تسخیر و غارت منطقه تحت سیطره صارم‌بیگ بود (بدلیسی، ۱۳۴۳: ۳۷۳). در ایران دوره شاه اسماعیل، وجود حکام قدرتمند محلی باعث عدم تمرکز قدرت سیاسی کشور شد و به همین جهت، اولین اقدام اسماعیل اول، سرکوب کردن این حکام محلی بود (میراحمدی، ۱۳۶۹: ۵۲-۵۳). چنان‌که مظفر زنگنه نیز می‌نویسد: هدف شاه اسماعیل در درجه اول، تسلط کامل بر ایران و از بین بردن حکومت‌های محلی، چه گرد و چه غیر گرد، بود (زنگنه، ۱۳۴۷: ۱۱۹/۱). سرانجام شاه اسماعیل تصمیم گرفت که نه تنها امارت موکری بلکه، بیشتر مناطقی که در حوزه والی‌نشین کردستان و آذربایجان آن زمان قرار داشت را در چهارچوب ایران صفوی متمرکز کند.

ب) بعد مذهبی

سیاست مذهبی شاه اسماعیل اول نیز یکی از عوامل و زمینه‌های هجوم و حملات شاه صفوی به موکریان بود که از نظر پژوهش‌گران مورد غفلت قرار گرفته است. میراحمدی می‌نویسد: عدم وحدت سیاسی و وجود قدرت‌های محلی در ایران، یکی از عواملی بود که در سیاست مذهبی شاه اسماعیل دخیل بوده است (میراحمدی، ۱۳۶۹: ۵۱). دولت صفویه و در رأس آن شاه اسماعیل اول، حکومت خود را بر دو پایه تشکیل داده بود: مذهب شیعه و ملیت ایرانی. شاه

اسماعیل در بین این دو مورد، بیشتر بر اولی تکیه داشت (گودرزی، ۱۳۸۷: ۶۱؛ تاج‌بخش، ۱۳۷۲: ۶۱).

مذهب غالب ایران، تا قبل از دوره شاه اسماعیل، تسنن بود و تنها در شهرهای (کاشان، قم و ری) اکثریت با اهل تشیع بوده است. شاه اسماعیل اول، برای اینکه اهل تسنن مذهب تشیع را بپذیرند، ابتدا دستور داد تا محراب‌های اهل سنت را تغییر دهند و در اذان‌ها، اشهد ان علیاً ولی الله و حی علی خیرالعمل محمد و علی خیرالبشر، تکرار شود و هر کسی که به شیوه اهل سنت نماز بخواند، کشته شود (خواندمیر، ۱۳۷۰: ۶۵-۶۶). همچنین لعن خلفای سه‌گانه را اجباری کرد و فرمان داد تا هر کسی که این کار را انجام ندهد، سرش را از تنش جدا کنند (روملو، ۱۳۸۴: ۹۷۶/۲-۹۷۷).

شاه اسماعیل، با آنکه بیشتر مردم ایران در آن روزگار در زمره اهل تسنن بودند، با خشونت و شدت عمل بسیار، آنها را به قبول تشیع وادار کرد و در این راه، خون‌های فراوانی ریخت و خاندان‌های زیادی را از بین برد (نویدی شیرازی، ۱۳۶۹: ۴۱). همچنین شاه اسماعیل کردها را وادار می‌کرد تا مذهب‌شان را تغییر دهند (عه‌لیاوه‌یی، ۲۰۰۴م: ۲۲).

سیاست مذهبی شاه اسماعیل در منطقه موکریان بیشتر مبنی بر سرکوب بود. دادن القاب و عناوین نادرست یزیدی^۱ به شخص صارم‌بیگ (عالم‌آرای شاه

۱. ایزدیان که با نام‌هایی چون شیطان‌پرست و یزیدی شناخته شده‌اند، بخشی از جامعه مردم کرد را تشکیل می‌دهند. این فرقه که مورخان، زمان پیدایش آن را به قرن ششم هجری و شیخ عدی نسبت می‌دهند، در منطقه وسیعی از مناطق کردنشین کشورهای عراق (موصل و دهوک)، سوریه (حلب، کلس، حسکه، جراج)، ترکیه (طور عابدین، دیاربکر، سیرت، جبل‌طور، بطمان، عین‌تاب، موش و قلب)، ارمنستان (قارص، ایروان، تفلیس و باطوم)، روسیه (مسکو، لنین‌گرا)، گرجستان و آلمان (بن و هانوفر) ساکن‌اند (یوسفی، ۱۳۹۱: ۶۷-۷۰).

اسماعیل اول نامیده و وی را به عنوان رهبر یزیدیان معرفی نمایند (هوشنگ مهدوی، ۱۳۶۴: ۱۳؛ رازی، ۱۳۶۷: ۴۱۳؛ سلطانی، ۱۳۷۷: ۱۸/۲؛ نوری، ۱۳۹۰: ۲۷۴-۲۷۵).

با در نظر گرفتن اثرات هر دو بعد سیاسی و مذهبی، به عنوان مکمل یکدیگر، در زمینه‌های هجوم شاه اسماعیل اول به امارت موکری، مجتبی سلطانی احمدی معتقد است که هیچ نشانه‌ای از انگیزه‌های مذهبی، در جریان نبرد صارم‌بیگ با شاه اسماعیل دیده نمی‌شود و بیشتر انگیزه‌های سیاسی مطرح بوده است (سلطانی احمدی، ۱۳۹۳: ۱۲۵).

۶. جنگ‌های صارم‌بیگ موکری با شاه اسماعیل اول

منابع عصر شاه اسماعیل، به ویژه *عالم‌آرای شاه اسماعیل و عالم‌آرای صفوی*، به‌رغم تفاوت روایت‌هایشان، جنگ‌های شاه اسماعیل اول با صارم‌بیگ موکری را به صورت پیوسته و در قالب یک جنگ بیان نموده‌اند. اما، آنچه که از منابع دیگر و تحقیقات جدید در مورد جنگ‌های صارم‌بیگ با شاه اسماعیل اول صفوی می‌توان دریافت، آن است که این جنگ‌ها، در دو مرحله و با دیدگاه‌های متفاوت و سال‌های مختلفی روایت شده‌اند. اکثر منابع اصلی و برخی از تحقیقات جدید، این جنگ‌ها را در بین سال‌های ۹۱۱ تا ۹۱۲ ق (۱۵۰۵-۱۵۰۶ م) ذکر کرده‌اند؛ در حالی‌که، بر اساس روایت برخی از مآخذ، این جنگ‌ها از سال ۹۰۹ ق / ۱۵۰۳ م شروع شده‌اند^۱ (زه‌کی، ۱۳۵۰: ۱۵۹/۱؛ زنگنه، ۱۳۴۷: ۱۳۴/۱).

در این جنگ‌ها، تعداد نفرات لشکر دو طرف، با

اسماعیل، ۱۳۴۹: ۱۵۱؛ *عالم‌آرای صفوی*، ۱۳۵۰: ۱۰۶) و کردان بی‌ایمان و بداعتقاد، کردان ناپاک و قوم بی‌فرهنگ به کردهای تحت حکومت صارم‌بیگ بیشتر جنبه مذهبی داشت و به نوعی توجیه‌کننده بعد سیاسی زمینه‌های هجوم شاه اسماعیل به موکریان بود (تاریخ شاه اسماعیل اول صفوی، بی‌تا: ۲۸؛ الحسینی القمی، ۱۳۸۳: ۸۸/۱).

از لحاظ مذهب کردها، باید اشاره کرد که طبق روایت *شرف‌نامه*، بیشتر طوایف کرد شافعی مذهب (اهل تسنن) هستند (بدلیسی، ۱۳۴۳: ۲۶). مینورسکی نیز نوشته که بیشتر کردها پیرو مذهب تسنن هستند و این مسئله‌ای است که در روابط ایران و عثمانی، اغلب به نفع عثمانی‌ها تمام شده است (مینورسکی، ۱۳۷۹: ۵۳). رشاد میران، به نقل از مینورسکی معتقد است که ایزدی‌ها در ایران، تنها در روستای جبارلو، از توابع شهرستان ماکو زندگی می‌کنند (میران، ۲۰۰۰: ۸۶).

کتاب *حقایق‌الانخبار ناصری*، در تأیید سنی مذهب بودن موکری‌ها، می‌نویسد: «صارم چون قائم مقام پدر شد، مروج مذهب پیغمبر حجازی» گردید» (خورموجی، ۱۳۶۳: ۲۹۳). حتی نویسنده کتاب *گرد و عجم* معتقد است که واژه یزیدی به‌کار رفته در مورد صارم‌بیگ، یک نوع اهانت و توهین محسوب می‌شود (موحه‌ممه‌د نه‌مین، ۱۹۹۲: ۶۶)؛ بنابراین به احتمال قریب به یقین می‌توان گفت که موکری‌ها و شخص صارم‌بیگ یزیدی یا ایزدی نبوده، بلکه پیرو مذهب اهل تسنن بوده‌اند.

نگارش چنین اطلاعات نادرستی، مبنی بر یزیدی یا ایزدی بودن مذهب کردهای موکری در دوره صفوی، موجب شده تا منابع دست دوم و مآخذی که اطلاعات خود را از منابع آن دوره دریافت کرده‌اند، نیز دچار لغزش شوند و همان اطلاعات نادرست را در نوشته‌های خود تکرار نمایند و حتی اقدامات صارم‌بیگ را، اولین اعتراض مذهبی در زمان شاه

۱. برخی دیگر از منابع و پژوهش‌ها، معتقدند که این جنگ‌ها در سال ۹۱۳ ق / ۱۵۰۷ م صورت گرفته‌اند (قزوینی، ۱۳۶۳: ۴۰۴؛ مجیر شیبانی، ۱۳۴۶: ۱۰۵؛ قدیانی، ۱۳۸۷: ۱۸۰).

صارم‌بیگ می‌نویسد: شاه اسماعیل با هدف تصرف منطقه موکری و قلع و قمع صارم‌بیگ و نیروهایش، چندبار لشکر به موکریان اعزام نمود و بین صارم‌بیگ و نیروهای قزلباش جنگ‌هایی روی داد که همواره صارم‌بیگ پیروز میدان بود (بدلیسی، ۱۳۴۳: ۳۷۳).

اشارات دیگری نیز در مآخذ، در مورد اقدامات صارم‌بیگ و محل جنگ‌های وی با شاه اسماعیل وجود دارد که به نوعی در پذیرش آنها باید تردید کرد. رحیم‌زاده صفوی می‌نویسد: صارم‌بیگ موکری در حدود گروس، سپاه بزرگی فراهم نموده و از کشاورزان آن منطقه باج و خراج گرفته و کاروان‌هایی که از آنجا عبور می‌کردند را غارت می‌نمود (رحیم‌زاده صفوی، ۱۳۴۱: ۱۷۶). همچنین سید آقا عون‌اللهی معتقد است که جنگ سپاهیان شاه اسماعیل با صارم‌بیگ، در منطقه وان صورت گرفته که سپاه شاه اسماعیل، از دو دستگاه توپ علیه نیروهای صارم‌بیگ استفاده کرده‌اند (عون‌اللهی، ۱۳۸۷: ۱۴۱).

با توجه به اطلاعات ارائه شده، می‌توان پی برد که تا چه حد روایات مختلفی از سال، محل و تعداد سپاه طرفین، در منابع و مآخذ دوره صفوی وجود دارد و با توجه به نبود تاریخ‌نگاران محلی و عدم ثبت رویدادها و حوادث تاریخی دوران صارم‌بیگ، به غیر از اشاراتی که کتاب *شرف‌نامه* به وقایع این دوران شده، نمی‌توان درک و بینش درستی نسبت به اوضاع آن زمان داشت، چرا که بیشتر اطلاعات و داده‌های تاریخی موجود، از دید مورخان درباری به نگارش درآمده‌اند. حضور یا عدم حضور شاه اسماعیل اول، در هر دو مرحله جنگ با صارم‌بیگ نیز حائز اهمیت است، که در این باره نیز نمی‌توان با قطعیت اظهار نظر نمود، چرا که هر کدام از منابع دیدگاه‌های متفاوتی ارائه نموده‌اند.

رقم‌های مختلف و متفاوتی ذکر شده است. تعداد سپاهیان قزلباش را در برخی از منابع، ۱۲۰۰۰ نفر (عالم‌آرای شاه اسماعیل، ۱۳۴۹: ۱۵۲) و در برخی دیگر ۱۰۰۰۰ نفر (عالم‌آرای صفوی، ۱۳۵۰: ۱۰۴) آورده‌اند. در مقابل، نیروهای صارم‌بیگ ۴۰۰۰۰ نفر (همان: ۱۰۳) ذکر شده است. تعداد نیروهای صارم‌بیگ، در آن زمان بعید به نظر می‌رسد و مؤلف *عالم‌آرای شاه اسماعیل* می‌نویسد که سپاه صارم‌بیگ دو برابر تعداد سپاه قزلباش بوده است (عالم‌آرای شاه اسماعیل، ۱۳۴۹: ۱۵۲).

در حقیقت جدا کردن مراحل جنگ از یکدیگر، سال‌های روی دادن و مدت زمان جنگ‌ها و حتی رویدادهای به وقوع پیوسته در جنگ‌ها، کاری سخت و دشوار است. ولی، با توجه به طول کشیدن جنگ‌های صارم‌بیگ با شاه اسماعیل و حتی روایت‌های موجود از آن، این جنگ‌ها، در دو مرحله مورد بررسی قرار می‌گیرند.

الف) مرحله اول جنگ‌های صارم‌بیگ با شاه اسماعیل

منابع دوره شاه اسماعیل معتقدند که با شورش محمد کره (حاکم ابرقوه) در سال ۹۱۰ق/ ۱۵۰۴م، شاه اسماعیل با در اختیار گذاشتن نیابت حکومت به برادرش، ابراهیم میرزا، برای سرکوب این شورش به سوی یزد حرکت نمود و در مقابل صارم‌بیگ با شنیدن این خبر، لشکر زیادی آماده کرد و عازم حمله به تبریز شد (همان: ۱۵۱؛ *عالم‌آرای صفوی*، ۱۳۵۰: ۱۰۳)؛ در حالی که، در برخی از منابع نوشته شده که صارم‌بیگ موکری در منطقه ساروقورغان حضور داشته و آنجا را غارت نموده است (خواندمیر، ۱۳۵۳: ۴۸۳/۴؛ جنابدی، ۱۳۷۸: ۱۹۱-۱۹۰؛ نوایی - غفاری فرد، ۱۳۸۱: ۶۹).

شرف‌نامه، در باب جنگ‌های شاه اسماعیل با

حصار برای مقابله با نیروهای صارم‌بیگ است و برای اینکه خسارت و ویرانی به بار نیاید، می‌بایست در خارج از شهر با سپاه صارم‌بیگ مقابله کنند. به همین جهت از تبریز خارج شده و در سلماس تلاقی نیروهای طرفین روی داد (همان: ۱۵۲). نویسنده *عالم‌آرای صفوی*، نوشته که محل برخورد نیروهای طرفین، خوی بوده است (*عالم‌آرای صفوی*، ۱۳۵۰: ۱۰۴).

در این جنگ، یکی از پسران صارم‌بیگ به نام ساروخان که مردی شجاع و قوی هیکل بود، توانست ده نفر از جوانان قزلباشان را به قتل برساند. ابراهیم میرزا با دیدن جنازه جوانان قزلباش، آماده نبرد با ساروخان شد که لگه‌اش پافشاری زیادی انجام داد تا به جای شاهزاده، وارد میدان نبرد گردد، ولی مؤثر نیفتاد و شاهزاده سوار بر اسب در میدان نبرد حاضر شد (*عالم‌آرای شاه اسماعیل*، ۱۳۴۹: ۱۵۲). در حالی که کتاب *عالم‌آرای صفوی* می‌نویسد سارو علی‌بیگ مهرداد به جای شاهزاده عازم نبرد با ساروخان موکری گردید و به دست او کشته شد (*عالم‌آرای صفوی*، ۱۳۵۰: ۱۰۴).

با ورود ابراهیم‌میرزا به جنگ، او توانست بیست و شش نفر از پهلوانان مشهور کرد که دو نفر از آنان پسران صارم‌بیگ (ساروخان و قبیلان (قبلان‌بیگ)) بودند را به قتل برساند (*عالم‌آرای شاه اسماعیل*، ۱۳۴۹: ۱۵۳-۱۵۴).

صارم‌بیگ با دیدن جنازه دو تن از فرزندانش، خود را برای نبرد با ابراهیم‌میرزا آماده کرد. در نتیجه این جنگ، شاهزاده و صارم‌بیگ هر دو زخمی شدند (همان: ۱۵۵؛ *عالم‌آرای صفوی*، ۱۳۵۰: ۱۰۵). به روایت منابع، قزلباشان و در رأس آنان متش سلطان استاجلو، ابراهیم میرزا را که زخمی شده بود همراهی نموده و به سوی تبریز باز می‌گردند و نیروهای صارم‌بیگ، سپاهیان قزلباش را تعقیب و اردوی آنان را غارت

در مرحله اوّل جنگ‌های صارم‌بیگ با شاه اسماعیل، برخی از منابع به عدم حضور شاه اسماعیل در این جنگ اشاره می‌کنند (*عالم‌آرای صفوی*، ۱۳۵۰: ۱۰۷-۱۰۸؛ *عالم‌آرای شاه اسماعیل*، ۱۳۴۹: ۱۵۶-۱۵۷؛ خواندمیر، ۱۳۵۳: ۴/۴۸۳). منابع دوره شاه اسماعیل علت عدم حضور شاه در جنگ با صارم‌بیگ را، شورش امیر حسام‌الدین (حاکم گیلان) می‌دانند که شاه اسماعیل ناچار می‌گردد برای سرکوب این قیام عازم گیلان گردد (*عالم‌آرای صفوی*، ۱۳۵۰: ۱۰۷-۱۰۸؛ *عالم‌آرای شاه اسماعیل*، ۱۳۴۹: ۱۵۶-۱۵۷). در مقابل، تعدادی از منابع به حضور وی در مرحله اوّل جنگ‌ها اشاره دارند و معتقدند که شاه اسماعیل شخصاً عازم غافلگیر کردن صارم‌بیگ شد و به منطقه وی هجوم برد، اما قبل از رسیدن شاه، صارم‌بیگ بار و بنه خود را جمع و فرار نمود و با فرار صارم‌بیگ، منطقه موکریان به وسیله سپاه قزلباش غارت و تمام اموال و دارایی‌های آنان، نصیب سپاهیان قزلباش گردید (امینی هروی، ۱۳۸۳: ۲۶۱-۲۶۰؛ سرور، ۱۳۷۴: ۶۳؛ رحیم‌زاده صفوی، ۱۳۴۱: ۱۷۶).

به اذعان منابع، در جنگ‌های مرحله اوّل، ابراهیم میرزا برادر شاه اسماعیل به راهنمایی لگه‌اش (سارو علی‌بیگ مهرداد)، فرماندهی جنگ را برعهده داشت و در طرف مقابل، صارم‌بیگ موکری جنگ را رهبری می‌کرد.

عالم‌آرای شاه اسماعیل در مورد صارم‌بیگ می‌نویسد:

صارم‌بیگ، کرد یزیدی که هفتاد پسر دارد و عمرش از ۱۱۰ سال گذشته، در شجاعت مانند ندارد و چهل هزار خانواده کرد یزیدی در تابعیت وی قرار دارند. وی با شنیدن شورش محمد کره، به سوی تبریز حرکت کرد (*عالم‌آرای شاه اسماعیل*، ۱۳۴۹: ۱۵۱).

ابراهیم میرزا معتقد بود که شهر تبریز فاقد دیوار و

نمودند. گفته می‌شود که در این جنگ تعداد زیادی از هر دو طرف کشته شدند. سپاه قزلباش، در این جنگ ۱۵۰۰ نفر از نیروهایش را از دست داد (همان‌جا) و هیچ اشاره‌ای به تعداد نیروهای کشته شده امارت موکری نشده است.

حال می‌توان گفت، در جریان مرحله اول جنگ‌ها، شورش امیر حسام‌الدین موجب شد که شاه اسماعیل، شخصاً نتواند در جنگ با صارم‌بیگ حضور داشته باشد و دستور داد تا عبدی‌بیگ شاملو به همراه پسرش، دورمیش خان، با ۶۰۰۰ نفر به کمک ابراهیم میرزا بروند (عالم‌آرای شاه اسماعیل، ۱۳۴۹: ۱۵۶). عالم‌آرای صفوی، تعداد نیروهای قزلباش که همراه عبدی‌بیگ شاملو اعزام شدند را ۴۰۰۰ نفر ذکر کرده است (عالم‌آرای صفوی، ۱۳۵۰: ۱۰۵). در چهار فرسخی تبریز بود که قزلباشان متوجه شدند که نیروهای امدادی به رهبری عبدی‌بیگ شاملو برای کمک به آنها آمده‌اند.

با رسیدن سپاهیان شاملو به سرکردگی عبدی‌بیگ شاملو، دوباره جنگ سختی بین دو طرف آغاز شد. در این جنگ، عبدی‌بیگ شاملو به دست پسر صارم‌بیگ که نویسندگان عالم‌آرای شاه اسماعیل و عالم‌آرای صفوی به ترتیب نام او را حسین‌بیگ و اردوان‌بیگ ذکر کرده‌اند، کشته می‌شود (عالم‌آرای شاه اسماعیل، ۱۳۴۹: ۱۵۷؛ عالم‌آرای صفوی، ۱۳۵۰: ۱۰۶). دورمیش خان نیز اردوان‌بیگ (یا حسین‌بیگ) را به سزای عمل خود رساند (عالم‌آرای شاه اسماعیل، ۱۳۴۹: ۱۵۸).

صارم‌بیگ با کشته شدن یکی دیگر از پسرانش به دست دورمیش خان شاملو، در مقابل دورمیش خان ظاهر شد و او را همراه با منتش سلطان زخمی نمود. حتی در جریان جنگ، مؤلف عالم‌آرای شاه اسماعیل می‌نویسد: هر کسی که در مقابل صارم‌بیگ ظاهر می‌شد، وی با ضربه شمشیر کارش را می‌ساخت

(همان‌جا).

پس از شکست سپاه صفوی به سرکردگی عبدی‌بیگ شاملو، آنچه که در روایت‌های تاریخی به چشم می‌خورد، اعتقاد به تقدیر و مشیت الهی (حضور یافتن شاه اسماعیل اول در مقابله با صارم‌بیگ) است که منابع دوره شاه اسماعیل به آن اشاره نموده‌اند (همان‌جا؛ عالم‌آرای صفوی، ۱۳۵۰: ۱۰۸). با رسیدن شاه اسماعیل اول به کمک نیروهای قزلباش، وی تعداد زیادی از نیروهای صارم‌بیگ را کشت و قصد جان صارم‌بیگ را داشت که صارم‌بیگ و نیروهایش فرار کردند (عالم‌آرای شاه اسماعیل، ۱۳۴۹: ۱۵۹). امینی هروی معتقد است که صارم‌بیگ به طرف بغداد فرار نمود (امینی هروی، ۱۳۸۳: ۲۶۹). در حالی‌که، مؤلف عالم‌آرای صفوی، به کشته شدن صارم‌بیگ توسط شاه اسماعیل اول اشاره می‌کند (عالم‌آرای صفوی، ۱۳۵۰: ۱۰۸).

در پایان مرحله اول جنگ‌ها، که به احتمال زیاد در سال ۹۱۲ ق/ ۱۵۰۶م، به وقوع پیوست، شاه اسماعیل در جنگ با صارم‌بیگ، دو تن از نزدیک‌ترین یارانش - عبدی‌بیگ شاملو و سارو علی‌بیگ مهردادار تکلو - را از دست داد (تاریخ صفویه، بی‌تا: ۸۱؛ منشی قزوینی، ۱۳۷۸: ۱۲۳؛ الحسینی، ۱۳۷۹: ۳۳-۳۴؛ سومر، ۱۳۷۱: ۵۸-۵۹). حسینی استرآبادی معتقد است که این دو نفر به علت نافرمانی و بدرفتاری به قتل رسیدند (حسینی استرآبادی، ۱۳۶۴: ۴۰). در مقابل، سه پسر صارم‌بیگ به نام‌های ساروخان، قبیلان (قبلان) بیگ و یکی دیگر از آنان که منابع با نام حسین‌بیگ و اردوان‌بیگ ذکر کرده‌اند، کشته شدند.

ب) مرحله دوم جنگ‌های صارم‌بیگ با شاه اسماعیل اگرچه منابع عصر شاه اسماعیل، حوادث و رویدادهای جنگ‌ها را به طور پیوسته بیان نموده‌اند، اما روایت‌های آنان نیز با هم اختلاف زیادی دارند. به

نه فکرت برآن قله بشتافتی
نه اندیشه بر وی توان یافتی
چریدی در آن کوه گردون محل
چو بزغاله و بره جدی و حمل

(امینی هروی، ۱۳۸۳: ۲۶۷-۲۶۸).

جنگ و پیکار در مناطق کوهستانی موکریان برای نیروهای قزلباش دشوار بود. آنان اگرچه با ورود به مناطق تحت قلمرو امارت موکری، کشتار و تاراج بسیاری کردند، ولی با مقاومت کردهای موکری رو به رو گردیدند و به اذعان منابع جنگ سختی بین دو طرف آغاز گردد، چنان‌که مؤلف حبیب‌السییر می‌نویسد:

دو دریای خونین برآمد بجوش
بدرید مغز سران زان خروش
سرنیزه در سینه کاوش گرفت
ز چشم زره خون تراوش گرفت
زنوک سنان لخت لخت جگر
فروزان چو از خار گل‌های تر

(خواندمیر، ۱۳۵۳: ۴/۴۸۵)

در مرحله دوم جنگ‌ها، تعداد زیادی از هر دو طرف کشته می‌شوند و برخی منابع آن دوره معتقدند که نیروهای قزلباش بدون هیچ نتیجه‌ای به نزد شاه اسماعیل بازگشتند (عالم‌آرای شاه اسماعیل، ۱۳۴۹: ۱۶۰؛ روملو، ۱۳۸۴: ۲/۱۰۱۴). اما، آنچه از منابع دیگر روایت می‌شود حاکی از اسارت تعدادی از نیروهای صارم‌بیگ به دست نیروهای قزلباش است که در منابع به شیوه‌های مختلف، «پسر و برادر صارم» (جهانگشای خاقان، ۱۹۶۸: ۲۴۳-۲۴۴؛ خواندمیر، ۱۳۵۳: ۴/۴۸۵؛ اسکندربیک منشی ترکمان، ۱۳۹۰: ۱/۵۲؛ هدایت، ۱۳۸۰: ۸/۶۳۶)، «پسر و برادران» (واله قزوینی، ۱۳۷۲: ۱۵۷؛ رحیم‌زاده صفوی، ۱۳۴۱: ۱۷۸) و «برادر و دو پسر» (جنابدی، ۱۳۷۸: ۱۹۳) ذکر گردیده است.

همین علت با توجه به ارتباط جنگ‌ها با یکدیگر و اذعان منابع دیگر به اینکه شاه اسماعیل بار دیگر به جنگ علیه صارم‌بیگ اقدام نموده است، مرحله دوم جنگ‌ها بررسی می‌شود.

اکثر منابع متفق‌القول هستند که در سال ۹۱۲ق/ ۱۵۰۶م هنگامی که شاه اسماعیل اول، در بیلاق سورتق، در شهر خوی اقامت داشت، به وی خبر دادند که صارم‌بیگ دوباره گروه زیادی را جمع نموده و عازم حمله به ارومیه شده است (جهانگشای خاقان، ۱۹۶۸م: ۲۴۱؛ امینی هروی، ۱۳۸۳: ۲۶۷؛ اسکندربیک منشی ترکمان، ۱۳۹۰: ۱/۵۲).

منابع عصر شاه اسماعیل معتقدند که با فرار صارم‌بیگ، شاه اسماعیل، دستور داد تا بیرام‌بیگ قراملو، خادم‌بیگ خلیفه‌الخلفا و حسین‌بیگ لاله، نیروهای قزلباش را آماده و به دنبال سپاهیان صارم، عازم منطقه موکریان گردند (عالم‌آرای شاه اسماعیل، ۱۳۴۹: ۱۵۸-۱۵۹). نویسنده خلدبرین معتقد است که شاه اسماعیل، بیرام‌بیگ و خلیفه‌الخلفا را اعزام نمود (واله قزوینی، ۱۳۷۲: ۱۵۷).

با رسیدن نیروهای قزلباش به موکریان، سپاه صارم‌بیگ در قلعه‌ای که کردهای موکری برای دفاع از قلمرو خویش ساخته بودند، پناه گرفتند. نویسنده فتوحات شاهی، کوهی که این قلعه بر بالای آن واقع شده است، را به کوه قاف تشبیه نموده و می‌نویسد:

چه کوهی اساسی چون گردون بلند
کمان را از آن بوده کوتاه کمند

۱. این قلعه به نام قلعه صارم موسوم است و در نزدیکی روستای لاجین، از توابع شهرستان مهاباد، واقع گردیده و دیوارهای سنگ‌چین قلعه هنوز پابرجاست.

نهایی شاه اسماعیل اول بود. نتیجه جنگ برای شاه اسماعیل اول عبارت بود از اینکه، هجوم به موکریان موجب گردید تا بیشتر امرا و حکام کردستان دلخوشی نسبت به حکومت صفوی نداشته و از آن فاصله بگیرند. چنان‌که امیرحسین خنجی می‌نویسد: با شکست نیروهای شاه اسماعیل در کردستان [جنگ با صارم‌بیگ]، وی دیگر جرأت نکرد به درون کردستان نیرو بفرستد. همچنین وی چند بار سعی کرد که با اعزام نیروهایی به مناطق شرقی کردستان با پیام، نامه، تهدید و تشر آنها را به قبول مذهب تشیع وادارد، ولی مذهب جدید شاه اسماعیل مورد قبول کردان [در آن زمان] واقع نشد. این امر، زمینه‌های جدایی قسمت‌هایی از خاک کردستان ایران و پیوستن به دولت عثمانی را فراهم نمود (خنجی، بی‌تا: ۱۳۹-۱۴۰).

همچنین نیروهای قزلباش اگرچه توانستند تعداد زیادی از مردم موکریان را قتل‌عام و این منطقه را غارت و نابود نمایند، اما این منطقه تحت تسلط دولت صفوی قرار نگرفت. اگر شاه اسماعیل این منطقه را به طور کامل تحت اختیار خویش درآورده باشد، چرا در هیچ یک از منابع، اشاره‌ای به گماشته شدن حاکمی از طرف وی برای حکومت این منطقه نشده است.

صارم‌بیگ نیز به‌رغم پیروزی‌هایی که در مرحله اول جنگ‌ها به دست آورد، در پایان مرحله دوم جنگ‌ها، به سوی دولت عثمانی گرایش پیدا کرد و قتل‌عام مردم موکریان و غارت و چپاول دارایی آنان چیزی نبود که مورد انتظار مردم منطقه باشد.

۷. سرنوشت صارم‌بیگ موکری

صارم‌بیگ در هنگام جنگ‌های خود با شاه اسماعیل اول صفوی، به اذغان منابع، رشادت و دلیری زیادی از خود نشان داد. در پایان جنگ‌ها، دیدگاه‌های

در پایان جنگ‌های مرحله دوم و اسارت تعدادی از نزدیکان صارم‌بیگ، آنها را نزد شاه اسماعیل در خوی می‌برند و وی دستور قتل آنها را به منظور انتقام کشته‌شدگان فرماندهان قزلباش، به طرز فجیعی صادر کرد (جهانگشای خاقان، ۱۹۶۸: ۲۴۳-۲۴۴؛ سرور، ۱۳۷۴: ۶۴؛ واله قزوینی، ۱۳۷۲: ۱۵۸؛ جنابدی، ۱۳۷۸: ۱۹۴؛ رحیم‌زاده صفوی، ۱۳۴۱: ۱۷۸).

در یک سفرنامه دوران شاه اسماعیل، به چگونگی کشته شدن پسر و برادر صارم‌بیگ اشاره شده و می‌نویسد:

چون راه گذر ما بر تبریز افتاد در آن حین صارم کرد با قزلباشان در غزات بود که برادر او و پسر او اسیر آن بی‌دینان شدند و پسر صارم کرد را گفتند که در مجلس کباب فرمودند او را زنده، اول لقمه‌ای ازو خود خورد و به تبعیت او توابع و لواحق او خوردند و برادر او را زنده در دیگ جوشانیدند و پختند و فرزندان مسلمانان را و سگ و گربه را تول و رمه کرده و خوردند (خطائی، ۱۳۷۲: ۱۶۷).

با توجه به روایت منابع آن دوران، می‌توان گفت بیشتر مآخذی که راجع به منطقه موکریان نگارش یافته‌اند، در مورد سرنوشت بابا عمر یکی از پسران سیف‌الدین موکری سکوت کرده‌اند. فقط روژبیانی در مورد بابا عمر می‌نویسد: بابا عمر آن قدر دانا و باهوش بود که کردها به وی بابا عمر عیار می‌گفتند (روژبیانی، ۱۹۹۲م: ۶۴). در واقع، صارم‌بیگ به غیر از بابا عمر، برادر دیگری نداشته و طبق نوشته‌های علی‌اکبر خطایی، بابا عمر و یکی از پسران صارم‌بیگ به دست نیروهای قزلباش اسیر و به شیوه فجیعی که بیان شد کشته می‌شوند و روایت منابعی که به اسارت «پسر و برادران» و «برادر و دو پسر» صارم‌بیگ اشاره کرده‌اند، نادرست و اشتباه است.

اگرچه این جنگ‌ها خاتمه پیدا کرد، ولی بازنده

سلیمان قانونی قرار گرفت و سلطان سلیمان تمام منطقه‌ای را که از زمان پدرش در اختیار داشت، بار دیگر به وی بازگرداند و حکومتش را به رسمیت شناخت (بدلیسی، ۱۳۴۳: ۳۷۴؛ خورموجی، ۱۳۶۳: ۲۹۳؛ شرح حال عزیزخان سردار کل، ۱۳۲۶: ۳۸؛ روزیانی، ۱۹۹۲م: ۴۶).

یکی دیگر از رویدادهای تاریخی دوران شاه اسماعیل اول، جنگ چالدران است که شکست شاه اسماعیل در این جنگ، موجب شد تا مناطقی از کردستان ایران، برای همیشه ضمیمه قلمرو دولت عثمانی گردد و تعدادی زیادی از امرای قبایل کرد، از دولت صفوی روی گردان و به طرف دولت عثمانی گرایش نشان دادند. در جنگ چالدران، ادریس بدلیسی نقش مهمی در متحد کردن امرای قبایل کرد، علیه شاه اسماعیل داشت که شرف‌نامه تعداد آنها را ۲۰ نفر ذکر نموده است (بدلیسی، ۱۳۴۳: ۵۳۷). لازاریف معتقد است که ادریس بدلیسی شخصاً در باب اتحاد با دولت عثمانی، به گفتگو با امیران کرد اقدام نمود که یکی از آنان، حاکم امارت موکری (صارم‌بیگ) بوده است (لازاریف، ۲۰۰۸م: ۱۳۵).

سرانجام، صارم‌بیگ با مرگ طبیعی از دنیا رفت (بدلیسی، ۱۳۴۳: ۳۷۴؛ خورموجی، ۱۳۶۳: ۲۹۳) و گفته می‌شود که وصیت کرده، پس از مرگش وی را در جایی بلند دفن کنند، تا بتواند موکریان را زیر نظر داشته باشد^۱ (شکل شماره ۲).

پس از فوت صارم‌بیگ، پسرانش به نام‌های قاسم،

زیادی در مورد سرنوشت صارم‌بیگ، مطرح است که می‌توان آن را در چهار مورد زیر خلاصه کرد:

۱. اسارت صارم‌بیگ در جریان جنگ (براون، ۱۳۶۹: ۶۸؛ مجیر شیبانی، ۱۳۴۶: ۱۰۵).

۲. کشته شدن صارم‌بیگ. تنها کتاب *عالم‌آرای صفوی* به کشته شدن صارم‌بیگ، در جریان مرحله اول جنگ‌ها اشاره نموده است (*عالم‌آرای صفوی*، ۱۳۵۰: ۱۰۸). در مقابل، برخی از مآخذ، هم اشاره به اسارت و هم اشاره به کشته شدن صارم‌بیگ می‌نمایند (براون، ۱۳۶۹: ۶۸؛ مجیر شیبانی، ۱۳۴۶: ۱۰۵).

۳. فرار صارم‌بیگ در حین جنگ با شاه اسماعیل (*جهانگشای خاقان*، ۱۹۶۸: ۲۴۳؛ خواندمیر، ۱۳۵۳: ۴/۸۵؛ واله قزوینی، ۱۳۷۲: ۱۵۷).

۴. پیروزی صارم‌بیگ در جنگ با شاه اسماعیل (بدلیسی، ۱۳۴۳: ۳۷۴؛ اسکندر، ۱۳۸۰: ۷۳؛ *Мусаэлян*، 2011: 96).

با توجه به دیدگاه‌های موجود، می‌توان گفت که گزینه‌های اول و دوم را، درباره سرنوشت صارم‌بیگ به هیچ‌وجه نمی‌توان پذیرفت. براساس روایت منابع عصر صفوی، صارم‌بیگ در پایان مرحله دوم جنگ‌ها، برای اینکه از شر قزلباشان نجات پیدا کند، و یا به هر دلیل دیگری، به دربار سلطان سلیم عثمانی نزدیک گردید؛ بنابراین، گزینه‌های سوم و چهارم به واقعیت نزدیک‌ترند.

در واقع، زمانی که سلطان سلیم به حدود الجزیره آمده بود، صارم‌بیگ همراه با سایر امرا و حکام کردستان (حکام ناحیه جزیره و دیاربکر) از سلطان عثمانی اطاعت نمود (بدلیسی، ۱۳۴۳: ۳۷۴؛ شرح حال عزیزخان سردار کل، ۱۳۲۶: ۳۸؛ محمدمهد عبدالقادر، ۲۰۰۲م: ۴۹؛ پارسادوست، ۱۳۷۵: ۳۹۹). بعد از مرگ سلطان سلیم (۹۲۶ق/ ۱۹۱۵م)، صارم‌بیگ دوباره زیر چتر حمایت

۱. مزار صارم‌بیگ در جاده اصلی مهاباد- میاندوآب، در نزدیکی روستای خانقاه (از توابع شهرستان مهاباد)، روی تپه‌ای معروف به «که‌لکی به‌گزدان» واقع شده است. این آرامگاه با قدمت بیش از ۵۰۰ سال، در سایه مرمت‌هایی که در سال ۱۳۸۹ش به همت خانم گوهر صدر قاضی در آن صورت گرفت، هنوز پابرجاست.

۸. نتیجه

ولایت موکریان به دلیل دارا بودن موقعیت حساس جغرافیایی و اهمیت استراتژیکی که در دوران صفوی داشت، مورد توجه دولتمند صفوی و عثمانی بود. آنها به این منطقه به عنوان منطقه‌ای حائل نگاه می‌کردند و هر یک از آنها خواهان دستیابی به آن بودند که این امر تأثیر و اهمیت این منطقه در معادلات سیاسی طرفین را به خوبی نشان می‌دهد. همچنین قرار گرفتن امارت موکری در جغرافیای اداری مابین والی‌نشین کردستان و بیگلربیگی تبریز و نزدیکی به پایتخت صفویان در دوره شاه اسماعیل، از نکات برجسته دیگر این امارت محسوب می‌شوند.

عوامل و زمینه‌های هجوم شاه اسماعیل به موکریان، در بعد سیاسی و مذهبی، هر دو در کنار هم، تأثیر مستقیمی در شکل‌گیری مناسبات صفویان با امارت موکری داشت که نباید هیچ‌کدام از آنها را بدون یکدیگر بررسی نمود. مذهب موکری‌ها در زمان امارت صارم‌بیگ، تسنن بوده و آنچه که در باب مذهب یزیدی و ایزدی، در دوران صارم‌بیگ مطرح بوده و هست، به نوعی توجیه‌کننده بعد سیاسی هجوم شاه اسماعیل اول به موکریان بود و یک برچسب سیاسی محسوب می‌شود.

سیری در تحولات داخلی امارت موکری نشان می‌دهد که سیاست واگرایی و همگرایی امارت موکری در نحوه تعامل و ارتباط با دولت صفویان حائز اهمیت بوده است، چراکه با ظهور دولت صفوی و نزدیکی تبریز با منطقه موکریان، مناسبات سیاسی امارت موکری با شاه اسماعیل که بیشتر شکل خصمانه داشت، به صورت جنگ بروز قطعی یافت و این امر به واگرایی در تعامل امارت موکری با دولت صفوی و

ابراهیم و حاجی عمر نیز در دوران جوانی فوت نمودند و نتوانستند حکومت منطقه موکریان را در اختیار داشته باشند. با مرگ فرزندان صارم‌بیگ، حکومت منطقه موکریان، در اختیار نوه‌های برادرش یعنی پسران رستم بن بابا عمر موکری، به نام‌های شیخ حیدر (حیدربیگ اول)، میرخضر و میرنظر قرار گرفت. حکومت نواحی دریاس، دول باریک، سلدوز و آختاچی به برادر بزرگ‌تر شیخ حیدر واگذار گردید. ناحیه ایلتمور [ایل تیمور] به میرنظر و ناحیه محمدشاه، در اختیار میرخضر قرار گرفت (بدلیسی، ۱۳۴۳: ۳۷۴-۳۷۵؛ خورموجی، ۱۳۶۳: ۲۹۳).

با نگاهی به اطلاعات و داده‌های تاریخی امارت موکری، متوجه خواهیم شد بدلیسی با آنکه می‌نویسد هر سه پسر صارم‌بیگ، در دوران جوانی فوت نمودند؛ اما، در ذکر رویدادهای امارت موکری، از امیربیگ موکری (میره‌بیگ اول) پسر حاجی عمر و نوه صارم‌بیگ سخن می‌گوید. همچنین اشاره می‌کند که با توطئه سلطان سلیمان قانونی، نوه‌های بابا عمر موکری (حیدربیگ اول، میرنظر و میرخضر) در جنگ سختی که با سلطان حسین بیگ (حاکم عمادیه)، زینل‌بیگ (حاکم حکاری) و امرای برادوست انجام دادند، کشته می‌شوند و حکومت امارت موکری، از طرف همین سلطان عثمانی در اختیار میره‌بیگ اول موکری قرار می‌گیرد (بدلیسی، ۱۳۴۳: ۳۷۴-۳۷۵). به‌رغم وفاداری صارم‌بیگ نسبت به دولت عثمانی، نوه‌های برادرش، در زمان شاه طهماسب اول، سیاست همگرایی و همکاری در تعامل با دولت صفوی را، در پیش گرفتند. سپس میره‌بیگ اول (نوه صارم‌بیگ) همانند پدر بزرگش، سیاست واگرایی در تعامل با دولت صفوی را انتخاب نمود.

نزدیکی به دولت عثمانی منجر گردید. اشتراک مذهبی موکری‌ها با عثمانی‌ها نیز نکته دیگری بود که علاوه بر جنگ‌های شاه اسماعیل با صارم‌بیگ، به گرایش به طرف دولت عثمانی منجر شد. صارم‌بیگ، اگرچه توانست توازن قوا بین دولتین صفوی و عثمانی، در زمان پدرش را از بین ببرد، اما، پس از مرگش، حکام امارت موکری، سیاست همگرایی در تعامل با دولت صفوی را عملی نمودند. این سیاست نزدیکی یا دوری از قدرت برتر، ناشی از عدم استقلال کردهای موکری، برای تشکیل یک حکومت خودمختار در منطقه بود و با افزایش قدرت یکی از طرفین، آنها نیز تغییر رویه داده و جانب حکومت مقتدرتر را گرفته و با آن همکاری می‌نمودند.

یکی از مهم‌ترین عوامل دوری حاکمان و سران کرد از شاه اسماعیل اول، حمله و هجوم به مناطق کردستان و خصوصاً موکریان بود. شاه اسماعیل هیچ‌گاه تلاش جدی در جهت جلب رضایت کردهای غرب ایران و به ویژه امارت موکری انجام نداد و سیاست اشتباهی که برای هجوم به موکریان در پیش گرفت، زمینه را برای روی گرداندن حاکمان کرد، از دولت صفوی فراهم نمود و حتی شاه اسماعیل، باج این سیاست اشتباه را در جنگ چالدران پرداخت. به طوری که نزدیک به دو سوم مناطق کردنشین برای همیشه از ایران جدا شدند.

منابع

احمدیان، عبدالله (۱۳۸۲). «نگاهی به سرزمین مهاباد (۲)». *هفته‌نامه سیروان*. س ۶. ش ۲۴۵. پاورقی.
اسکندر، شمس محمد (۱۳۸۰). *تاریخ کرد در قرن ۱۶ میلادی*. ترجمه محسن جلدیانی. تهران: عابد.
اسکندریبگ منشی ترکمان (۱۳۹۰). *تاریخ عالم‌آرای*

عباسی، به کوشش فرید مرادی، تهران: نگاه.
امینی هروی، صدرالدین ابراهیم (۱۳۸۳). *فتوحات شاهمی (تاریخ صفوی از آغاز تا سال ۹۲۰ ق)*. تصحیح محمدرضا نصیری. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
بابا مردوخ روحانی (۱۳۸۲). *تاریخ مشاهیر کرد*. به کوشش محمدماجد مردوخ روحانی. چاپ دوم. تهران: سروش.
بابانی، عبدالقادر بن رستم (۱۳۷۷). *سیرالاکراد (در تاریخ و جغرافیای کردستان)*. به اهتمام محمدرئوف توکلی. تهران: توکلی.

بابایی، سوسن و دیگران (۱۳۹۰). *غلامان خاصه، نخبگان نوحاسته دوران صفوی*. ترجمه حسن افشار. تهران: مرکز. بدلیسی، شرف‌خان (۱۳۴۳). *شرف‌نامه (تاریخ مفصل کردستان)*. به اهتمام محمد عباسی. تهران: علمی.
براون، ادوارد (۱۳۶۹). *تاریخ ادبیات ایران (از صفویه تا عصر حاضر)*. ترجمه دکتر بهرام مقدادی. تهران: مروارید.
پارسادوست، منوچهر (۱۳۷۵). *شاه اسماعیل اول پادشاهی با اثرهای دیرپای در ایران و ایرانی*. تهران: شرکت سهامی انتشار.

تاج‌بخش، احمد (۱۳۷۲). *تاریخ صفویه*. شیراز: نوید.
تاریخ شاه اسماعیل اول صفوی، نسخه خطی کتابخانه ملی. شماره دستیابی نسخه ۱۸۹۸/ف.
تاریخ صفویه، نسخه خطی کتابخانه ملی. شماره دستیابی نسخه ۲۰۳۳/ف.

تتوی، احمد؛ آصف‌خان قزوینی (۱۳۷۸). *تاریخ الفی (تاریخ ایران و کشورهای همسایه در سال‌های ۱۵۰-۹۱۴ق)*. تصحیح سید علی آل‌داود. تهران: فکر روز.
جنابدی، میرزا بیگ (۱۳۷۸). *روضه‌الصفویه*. به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد. تهران: بنیاد موقوفات افشار.
جهانگشای خاقان (تاریخ شاه اسماعیل) (۱۹۶۸م). تصحیح دکتر الله‌داتا مضطر. (بی‌جا): مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.

حزنی، حسین (۱۳۸۲). *کردستان موکریان (آتروپاتین)*، ترجمه حسن داوودی. سنندج: ناشر مترجم.
حسینی استرآبادی، حسین بن مرتضی (۱۳۶۴). *تاریخ*

رضائیه). تهران: ابن سینا.

دیشنهر، گوینتەر (۱۹۹۹م). کورد گهلی له خشته برآوی
 غه در لی کراو. وه‌گیرانی همه که‌ریم عارف. چاپی
 دووهم. هه‌ولیر: وه‌زاره‌تی روشنبیری.

رازی، عبدالله (۱۳۶۷). تاریخ کامل ایران از تأسیس سلسله
 ماد تا انقراض قاجاریه. تهران: اقبال.

رحیم زاده صفوی، علی اصغر (۱۳۴۱). شرح جنگ‌ها و
 تاریخ زندگانی شاه اسماعیل صفوی. به اهتمام یوسف
 پور صفوی. تهران: کتابفروشی خیام.

رشید یاسمی، غلامرضا (۱۳۶۹). کرد و پیوستگی نژادی و
 تاریخی او. چاپ چهارم. تهران: بنیاد موقوفات افشار.

روژیانی، محمدهد جه‌میل (۱۹۹۲م). فه‌رمانه‌وایی موکریان.
 چاپی یه‌که‌م. به‌غدا: وه‌زاره‌تی روشنبیری و راگه‌یاندن.

روملو، حسن‌بیگ (۱۳۸۴). احسن‌التواریخ. تصحیح
 عبدالحسین نوایی. تهران: اساطیر.

رهربرن، کلاوس میثائیل (۱۳۴۹). نظام ایالات در دوره
 صفویه. ترجمه کیکاووس جهانداری. تهران: بنگاه
 ترجمه و نشر کتاب.

زنگنه، مظفر (۱۳۴۷). دودمان آریائی (کرد و کردستان).
 تبریز: چهر.

زه‌کی، موحه‌ممه‌د ئه‌مین (۱۹۳۱م). کورد و کوردستان.
 به‌رگی یه‌که‌م. چاپی یه‌که‌م. مه‌هاباد: سیدیان.

سرور، غلام (۱۳۷۴). تاریخ شاه اسماعیل صفوی. ترجمه
 محم‌دباقر آرام و عباسقلی غفاری فرد. تهران: مرکز نشر
 دانشگاهی.

سلطانی احمدی، مجتبی و دیگران (۱۳۹۳). «بازشناسی
 جایگاه مذهب در روابط اهل سنت کردستان و
 حکومت صفوی». فصلنامه تاریخ و تمدن اسلامی. س
 ۱۰. پاییز و زمستان. ش ۲۰. ص ۱۱۱-۱۳۸.

سلطانی، محم‌دعلی (۱۳۷۷). قیام و نهضت علویان زاگرس
 (تاریخ تحلیلی اهل حق). کرمانشاه: سها.

سمیعا، محم‌دسمیع (۱۳۷۸). تذکره‌الملوک (سازمان اداری
 حکومت صفوی). ترجمه مسعود رجب‌نیا. به کوشش
 محم‌د دبیرسیاقی. چاپ سوم. تهران: امیرکبیر.

سلطانی از شیخ صفی تا شاه صفی. به کوشش احسان
 اشراقی. تهران: علمی.

حسینی فسایی، حسن (۱۳۶۷). فارسنامه ناصری. تصحیح
 منصور رستگار فسایی. تهران: امیرکبیر.

الحسینی القمی، احمد بن شرف‌الدین الحسین (۱۳۸۳).
 خلاصه‌التواریخ. تصحیح احسان اشراقی. چاپ دوم.
 تهران: دانشگاه تهران.

الحسینی، خورشاه بن قباد (۱۳۷۹). تاریخ ایچی نظام‌شاه
 (تاریخ صفویه از آغاز تا سال ۹۷۲ق). تصحیح
 محم‌درضا نصیری و کوئیچی هانه‌دا. تهران: انجمن آثار
 و مفاخر فرهنگی.

حوزنی موکریانی، حوسین (۱۹۳۸م). کوردستانی موکریان
 (آرئوپاتین). چاپی یه‌که‌م. رواندز: مطبعه زاری کرمانجی.

خضری، سعید (بهار ۱۳۸۸)، «جغرافیای تاریخی موکریان
 در چهار سده اخیر»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ش
 ۹۲. ص ۱۲۹-۱۶۵.

خطائی، علی‌اکبر (۱۳۷۲). خطای نامه (شرح مشاهدات
 سید علی‌اکبر خطائی معاصر شاه اسماعیل صفوی در
 سرزمین چین). به کوشش ایرج افشار. چاپ دوم.
 تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا.

خلیلی، سیامند (۱۳۹۳). «نگاهی به اصل و نسب موکری‌ها در
 تاریخ موکریان»، ماهنامه مه‌باد، خرداد. ش ۱۵۹. ص ۵۶-۵۷.

خنجی، امیرحسین [بی‌تا]. قزلباشان در ایران (نقش
 قزلباشان صفوی در تاریخ ایران زمین). نشر الکترونیک.
 www.irantarikh.com

خواندمیر، امیر محمود (۱۳۷۰). تاریخ شاه اسماعیل و شاه
 طهماسب صفوی (ذیل تاریخ حبیب‌السیر). به کوشش
 محم‌دعلی جراحی. تهران: گستره.

خورموجی، محم‌د جعفر (۱۳۶۳). حقایق‌الخبار ناصری،
 به کوشش حسین خدیو‌جم. چاپ دوم. تهران: نی.

خه‌لفین، ن. ا (۱۹۷۱م). خه‌بات له ریی کوردستاندا.
 وه‌گیرانی جه‌لال ته‌قی. چاپی یه‌که‌م. سلیمانی: راپرین.

دهقان، علی (۱۳۴۸). سرزمین زردشت (اوضاع طبیعی،
 سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و تاریخی

صفویه (احیاء وحدت ملی). تهران: دانشگاه تهران.
محهمه‌د عبدالقادر، ناز ناز (۲۰۰۲م). میزنشین‌کافی
کوردستانی روز‌ه‌لالت له سهرده‌می فه‌رمانره‌وایی
قاجاره‌کاندا. چاپی یه‌که‌م. هه‌ولیر: موکریانی.
محسنی، ناصر (۱۳۲۷). جغرافیای طبیعی، اقتصادی،
تاریخی و سیاسی کردستان. بروجرد: لاویان.
مستوفی بافقی، محمدمفید بن محمود (۱۳۹۰). مختصر
مفید (جغرافیای ایران زمین در عصر صفوی). به
کوشش ایرج افشار. تهران: بنیاد موقوفات افشار.
منجم یزدی، جلال‌الدین (۱۳۶۶). تاریخ عباسی (روزنامه
ملا جلال). به کوشش سیف‌الله وحیدنیا. تهران: وحید.
منشی قزوینی، بوداق (۱۳۷۸). جواهرالخبار (تاریخ ایران
از قراقویونلو تا سال ۹۱۴ ق). تصحیح محسن
بهرام‌نژاد. تهران: میراث مکتوب.
میراحمدی، مریم (۱۳۶۹). دین و دولت در عصر صفوی.
چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.
موحه‌ممه‌د ئه‌مین، صالح (۱۹۹۲). کورد و عه‌جه‌م (میژووی
سیاسی کورده‌کانی ئیران). چاپی یه‌که‌م. به‌غدا: (بی‌نیو).
میران، ره‌شاد (۲۰۰۰م). ره‌وشی ئاینی و نه‌ته‌وه‌یی له
کوردستاندا. چاپی دووهم. هه‌ولیر: وه‌زاره‌تی په‌رورده.
میتیشاشفیلی، ا. م (۲۰۰۸م). کورد (کورت‌هی په‌یوه‌ندی
کومه‌لایه‌تی، ئابووری، روشنیبری و گوزهران). وه‌رگیرانی
عیزه‌دین مسته‌فاره‌سول. چاپی دووهم. هه‌ولیر: موکریانی.
مینورسکی، ولادیمیر فنودوروویچ (۱۳۷۹). گُرد. ترجمه
حبیب‌الله تابانی. تهران: گستره.
ناظم‌بیگ، حسین (۲۰۰۱م). تاریخ الاماره‌البابانیه ترجمه
شکور مصطفی و محمدملا عبدالکریم المدرس.
اریل: مؤسسه موکریانی.
نصیری اردوبادی، علی نقی (۱۳۷۱). القاب و مواجب دوره
سلاطین صفویه. تصحیح یوسف رحیم‌لو. مشهد:
دانشگاه فردوسی.
نوایی، عبدالحسین؛ غفاری‌فرد، عباسقلی (۱۳۸۱). تاریخ
تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران
در دوران صفویه. تهران: سمت.

سومر، فاروق (۱۳۷۱). نقش ترکان آناتولی در تشکیل و
توسعه دولت صفوی. ترجمه دکتر احسان اشراقی و
دکتر محمد تقی امامی. تهران: گستره.
سیوری، راجر (۱۳۸۰). در باب صفویان. ترجمه رمضان
علی روح‌اللهی. تهران: مرکز.
«شرح حال عزیزخان سردار کل» (۱۳۲۶). مجله یادگار. س
۴. شهریور و مهر. ش ۲۰۱. ص ۳۷-۶۲.
عالم‌آرای شاه اسماعیل (۱۳۴۹). تصحیح اصغر منتظر
صاحب. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
عالم‌آرای صفوی (۱۳۵۰). به کوشش یدالله شکری. تهران:
بنیاد فرهنگ ایران.
عون‌اللهی، سید آقا (۱۳۸۷). تاریخ پانصد ساله تبریز (از
آغاز دوره مغولان تا پایان صفویان). ترجمه پرویز زارع
شاهمرسی. تهران: امیرکبیر.
عه‌لیاوه‌یی، عه‌بدولا (۲۰۰۴م). کوردستان له سهرده‌می
ده‌وله‌تی عوسمانی‌دا (له ناوراستی سه‌ده‌ی نوزده‌هه‌مه‌وه
تا جه‌نگی یه‌که‌می جیهان). چاپی یه‌که‌م. سلیمانی:
سه‌ته‌ری لیکولینه‌وه‌ی ستراتیجی کوردستان.
قاسمی گنابادی، محمدم قاسم (۱۳۸۷). شاه اسماعیل نامه.
تصحیح جعفر شجاع کیهانی. تهران: فرهنگستان زبان و
ادب فارسی.
قدیانی، عباس (۱۳۸۷). تاریخ فرهنگ و تمدن ایران در
دوره صفویه. چاپ چهارم. تهران: فرهنگ مکتوب.
قزوینی، یحیی بن عبداللطیف (۱۳۶۳). لب‌التواریخ. تهران:
گویا.
کرد در دایرة‌المعارف اسلام (۱۳۶۷). تألیف گروهی از
مستشرقین، ترجمه اسماعیل فتاح قاضی. ارومیه:
صلاح‌الدین ایوبی.
گودرزی، محسن (۱۳۸۷). «کارکرد هویت‌بخش مذهب
شیعه در دوره صفویه». فصلنامه مطالعات ملی. س ۹.
ش ۴. ص ۴۵-۷۲.
لازاریف، م. س (۲۰۰۸م). میژووی کوردستان. وه‌رگیرانی وشیار
عه‌بدوللا سه‌نگاوی. چاپی یه‌که‌م. هه‌ولیر: روز‌ه‌لالت.
مجیر شیبانی، نظام‌الدین (۱۳۴۶). تشکیل شاهنشاهی

نوذری، عزت‌الله (۱۳۸۰). *تاریخ اجتماعی ایران از آغاز تا مشروطیت*. تهران: خجسته.

نوری، جعفر و فریدون نوری (۱۳۹۰). «واکاوی رویکرد شاه اسماعیل به شورش امراء و سران کرد (۹۳۰-۹۰۷ ق)». *مجله پیام بهارستان*. تهران: دوره دوم. س ۴. پائیز. ش ۱۳. ص ۲۷۲-۲۸۱.

نویدی، داریوش (۱۳۸۶). *تغییرات اجتماعی - اقتصادی در ایران عصر صفوی (قرن شانزدهم و هفدهم میلادی)*. ترجمه هاشم آقاجری. تهران: نی.

نویدی شیرازی، زین‌العابدین عبدی بیگ (۱۳۶۹). *تکملة الاخبار (تاریخ صفویه از آغاز تا ۹۷۱ ق)*. تصحیح دکتر عبدالحسین نوایی. تهران: نی.

واله قزوینی اصفهانی، محمدیوسف (۱۳۷۲). *خلدبرین (ایران در روزگار صفویان)*. به کوشش میر هاشم محدث. تهران: بنیاد موقوفات افشار.

ولفگه‌نگ، رودلف - هسه‌ن سه‌لاح سوران (۱۹۷۷م). *هوزی فه‌یزوللا به‌گی بانی بوکان (میثویه‌کی کورتی بنه‌ماله‌یه‌کی به‌گزاده‌ی کورد)*. وه‌رگیرانی دوکتور ناجی عباس احمد. گوفاری کوری زانیاری کورد. به‌غدا: به‌رگی بینجه‌م ل ۷۵-۱۱۰.

هدایت، رضاقلی‌خان (۱۳۸۰). *تاریخ روضة‌الصفای ناصری*. تصحیح جمشید کیان‌فر. تهران: اساطیر.

هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۶۴). *تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی*. چاپ سوم. تهران: امیرکبیر.

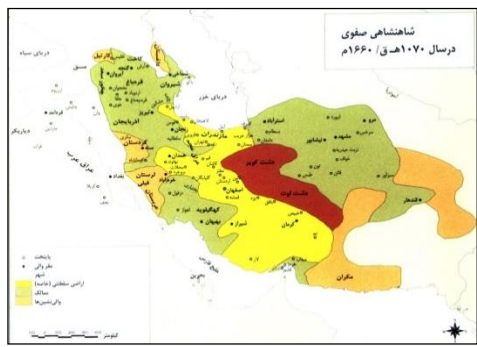
ئه‌دیوششوعه‌را، ره‌شید (۲۰۰۸م). *میثووی ئه‌فشار*. وه‌رگیرانی سه‌لاحه‌دیین ناشتی. چاپی به‌که‌م. سلیمانی: بنکه‌ی ژین.

یوسفی، عثمان (۱۳۹۱). *تاریخ و حیات اجتماعی - فرهنگی کردهای ایزدی*. تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.

Мусаэлян, ЖС (2011). «Из истории курдского племени мукри (I-я половина XV - начало XX в)». ИССЛЕДОВАНИЯ

پیوست‌ها:

شکل ۱. نقشه اواخر دوره صفوی که در آن اشاره به ولایت موکری شده است



شکل ۲. مزار صارم بیگ موکری



عکس از نگارنده شهریورماه سال ۱۳۸۷ شمسی



مزار فعلی صارم بیگ موکری